

گونه‌شناسی معماری مساجد تبریز و باکو در دوره قاجار



شهناز فرمانی*
غلامحسین معماریان**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵

چکیده

آذربایجان یکی از مناطق با سابقه در فرهنگ و هنر ایران است که شناخت معماری آن ضروری است. برای شناخت معماری و هنر این منطقه نباید بر مرزهای کنونی تکیه کرد، بلکه باید به یاد آوریم که در گذشته‌های نه‌چندان دور، این منطقه دارای رابطه در تبادلات اندیشه‌ها، انگیزه‌ها و پیشه‌وران در زمینه‌های هنر و معماری با سرزمین‌های اطراف از جمله آران (جمهوری آذربایجان) بوده است. در کالبد معماری اسلامی مسجد جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است که با توجه به ثبات الگوی رفتاری در آن می‌توان فارغ از مرزهای سیاسی و در گستره مرزهای فرهنگی به گونه‌شناسی آن پرداخت. هدف این تحقیق، شناخت ویژگی‌های مساجد تبریز و باکو در دوران قاجار و دسته‌بندی آن‌ها بر اساس خصوصیات کالبدی و در نهایت گونه‌شناسی است. برای دستیابی به هدف مذکور، از روش تحقیق توصیفی تحلیلی استفاده شده و جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. در این مقاله، ابتدا مساجد تاریخی در هر دو شهر که شامل ۲۸ مسجد است، شناسایی و اندام‌هایی با اهمیت تعریف خواهد شد و سپس با توجه به این اندام‌ها و ترکیب اجزای کالبدی، به گونه‌شناسی آن‌ها پرداخته خواهد شد و در ذیل معرفی هر گونه، ویژگی‌های بارز آن‌ها مورد مطالعه خواهد گرفت. مساجد این مناطق بر سه گونه است که عبارت‌اند از: مساجد گنبدخانه‌ای، مساجد گنبدخانه‌ای با رواق اطراف و مساجد شبستانی. گونه شبستانی فقط آذربایجان قابل شناسایی است و گونه‌های گنبدخانه‌ای و گنبدخانه‌ای با رواق اطراف در هر دو منطقه موجود است.

کلیدواژه‌ها:

آذربایجان، آران، مسجد، گونه‌شناسی، دوره قاجار.

پرسش‌های پژوهش

۱. مساجد آذربایجان و اران^۱ به چند گونه تقسیم‌پذیرند؟
۲. مساجد آذربایجان و اران در دوران قاجار دارای چه ویژگی‌های کالبدی مشترکی هستند؟

مقدمه

ایران سرزمینی است دارای خرده‌فرهنگ‌های متعدد؛ وجود این خرده‌فرهنگ‌ها در صورتی که به صورت اصولی به آن‌ها پرداخته شود، عاملی در جهت غنای فرهنگی ایران خواهد بود و تضعیف و بی‌توجهی به این فرهنگ‌ها نیز عاملی در جهت تضعیف فرهنگ و هنر ایران خواهد بود. یکی از مناطقی که سابقه دیرینه و اثرگذار در ساخت فرهنگ و هنر ایران دارد، منطقه آذربایجان است. تأثیر هنر و معماری این منطقه بر معماری ایران و مناطق هم‌جوار خود کتمان‌ناپذیر است؛ ولی متأسفانه برخی ملاحظات سیاسی و وجود برخی مشکلات از قبیل نبود یا کمبود منابع اولیه باعث شده است که این منطقه به‌طور کامل مورد مطالعه قرار نگیرد و یا مطالعات انجام‌شده مختصر و در حد مطالعه تک‌بناها باشد.

ارتباط متقابل بین فرهنگ‌های گوناگون اگر به‌شکلی درست صورت پذیرد، می‌تواند نتایج سودمندی در بر داشته باشد؛ چنان‌که در گذشته و در زمینه هنر و معماری مابین ایران و همسایگانش تبادل‌اتی وجود داشت که غالباً مانع از باروری و ارتقای فرهنگ و هنر کشور نمی‌شد و در بسیاری از دوره‌ها موجب غنای هنر و فرهنگ کشور در بسیاری از زمینه‌ها می‌شد. بنابراین تنها راه برای حفظ و بقای فرهنگ و هنر یک منطقه و ایجاد رابطه دوطرفه و سودمند، شناخت فرهنگ، هنر و معماری آن منطقه و بررسی تأثیر آن بر سرزمین‌های مجاور است تا از طریق این شناخت و مقایسه پیوندها مجدداً احیا شود.

با این مقدمه، مسئله اصلی این پژوهش در قدم اول، توجه به معماری آذربایجان به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و غنی‌ترین هنرهای ایران است و در قدم بعدی، یافتن ریشه‌های مشترک معماری میان آذربایجان و جمهوری آذربایجان است. برای مطالعه از میان فضاهای مختلف معماری، مساجد مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ زیرا در مساجد نوعی ثبات و پایداری در فعالیت‌های دینی و الگوهای رفتاری مربوط به آن وجود دارد. به نظر می‌رسد که معماری مذهبی دو منطقه مذکور با توجه به تشابهات فرهنگی و مذهبی دارای ریشه‌ها و خاستگاه‌های مشترکی است؛ هرچند که ممکن است با توجه به برخی تفاوت‌های منطقه‌ای و اقلیمی و... در جزئیات دارای تفاوت‌هایی نیز باشند. بنابراین هدف تحقیق پیش رو، مطالعه تحلیلی و گونه‌شناسی مساجد تبریز و باکو است؛ مطالعه در نهایت منجر به ایجاد فهم جدید، منضبط و ساختارمندی از گونه‌های مختلف مساجد این منطقه خواهد شد.

برای مقایسه و تطبیق معماری دو منطقه از ایران، شهر تبریز و از جمهوری آذربایجان، شهر باکو انتخاب شده است؛ زیرا پایتخت‌ها و شهرهای ایالتی عموماً مهم‌ترین مراکز در زمینه دگرگونی‌های هنری و معماری بوده‌اند و اقدامات مهم و بزرگ نیاز به حمایت مالی و فرهنگی دارد که غالباً در این‌گونه شهرها تأمین می‌شود و به همین سبب، بهترین آثار هنری و معماری و شهرسازی در هر دوره غالباً در پایتخت‌ها و مراکز مهم ایالتی طراحی و ساخته می‌شدند.

۱. پیشینه پژوهش

تاریخ معماری مورد توجه گروه بسیاری از پژوهشگران باستان‌شناس، تاریخ هنر و مرمت بوده است. نگاه کاربردی به گذشته برای ساخت آینده نیز یکی از موضوعات مهم مراجعه به تاریخ معماری بوده است. در باب نگرش به تاریخ، براساس تقسیم‌بندی گلیجانی مقدم، نگرش تاریخی و نگرش معمارانه (گلیجانی مقدم ۱۳۸۴) به کار گرفته شده است. برای مطالعه و شناخت مساجد تبریز می‌توان اطلاعات متنوعی از منابع به دست آورد؛ منابعی که هرکدام از آن‌ها از دیدگاه‌های مختلف، شهر تبریز و مساجد آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند. اما نمونه پژوهش‌های انجام‌یافته در خصوص

معرفی مساجد شهر تبریز، اولاً شامل تمام نمونه‌ها نبوده و ثانیاً نگاه این مطالعات به شکل قیاسی با نمونه‌های مساجد اران نبوده است. همچنین برخی از نمونه‌های شاخص مانند مسجد کبود و ارگ علیشاه، عمده توجه مطالعات حوزه تاریخی تبریز را به خود اختصاص داده و مساجد دیگر کمتر مورد تحقیق قرار گرفته‌اند. شاید بتوان جامع‌ترین منبع درخصوص معرفی مساجد تبریز را کتاب *مساجد تاریخی (عمرانی و اسمعیلی سنگری ۱۳۸۶)* دانست که در آن تعدادی از مساجد معرفی شده ولی تحلیلی صورت نگرفته است. سلطانزاده پژوهشگر دیگری است که در کتاب *تبریز خشتی استوار* در معماری *ایران (۱۳۷۶)* به تحلیل ساختار شهر تبریز و بناهای آن پرداخته است. بلر و بلوم (۱۳۸۲) دو محقق دیگرند که در باب معماری ایران و معماری تبریز پژوهش کرده‌اند. هیلن برند (۱۳۹۱) نیز در مطالعات خود به تبریز و بناهای تاریخی آن اشاره کرده و با نگاه تاریخی به تحلیل مساجد تبریز پرداخته است. در تحقیق گلمبک و ویلبر (۱۳۷۴) هم به مقایسه معماری ایران و توران در دوران تیموری پرداخته شده است. منابع موجود در مورد منطقه اران بسیار محدود بود. فتح‌الله یف (۱۳۷۵) در کتاب خود به بررسی شهر باکو و معرفی تعدادی از مساجد آن پرداخته است؛ ولی تعداد مساجد معرفی شده بسیار ناقص بود. بقیه مساجد مورد تحلیل، توسط محقق شناسایی شده و با کمک اساتید دانشگاه معماری و ساختمان‌سازی باکو نقشه‌های آن‌ها تهیه شده است.

۲. حدود جغرافیایی آذربایجان و اران

پیش از ورود به مبحث اصلی و گونه‌شناسی، لازم است شناخت مختصری از منطقه مورد مطالعه داشته باشیم و در پی پاسخ این سؤال باشیم که مقصود ما از آذربایجان و اران کجاست؟

آذربایجان^۲ نام ناحیه‌ای در انتهای شمال غربی ایران است که براساس توصیف *لغت‌نامه دهخدا (۱۳۷۳)*، *دایرةالمعارف اسلام (۲۰۰۲)* و *دایرةالمعارف بریتانیکا (۲۰۲۰)* از شمال به رود ارس، جمهوری آذربایجان و ارمنستان، از جنوب به استان‌های کردستان و زنجان، از شرق به استان گیلان و دریای خزر و از غرب به ترکیه و عراق محدود شده و شامل استان‌های آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل و قسمت‌هایی از استان زنجان است. در دوران پس از اسلام، طبق توصیف تاریخ‌نویسان و جغرافی‌دانان همچون ابن‌رسته (۱۳۶۵)، ابن‌فقیه (۱۳۵۹)، اصطخری (۱۳۴۷) و ابن‌حوقل (۱۳۶۶) آذربایجان به سرزمینی گفته می‌شده که از شمال به اران، از جنوب به آشور، از غرب به ارمنیه و از شرق به مغان و گیلان محدود می‌شده و پایتخت آن شهر گنجک (تخت سلیمان کنونی) در نزدیکی تکاب بوده است.

جمهوری آذربایجان کشوری در قفقاز جنوبی است. این کشور بزرگ‌ترین کشور قفقاز و در کنار دریای خزر است. پایتخت آن باکو و زبان رسمی آن آذری است. کشورهای ایران در جنوب، ارمنستان و ترکیه در غرب، گرجستان در شمال غربی و روسیه در شمال آذربایجان قرار دارند. این سرزمین تا حدود دویست سال پیش جزو ایران بود؛ ولی در جنگ‌های ایران و روسیه، طی قراردادهای گلستان و ترکمن‌چای به روسیه ملحق شد. با فروپاشی امپراتوری روسیه، جمهوری دموکراتیک آذربایجان در سال ۱۹۱۸ تأسیس شد؛ در ۱۹۲۰ با حمله ارتش سرخ به باکو، این جمهوری به اتحاد جماهیر شوروی ضمیمه شد و با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشور فعلی جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۱ اعلام استقلال کرد.

این منطقه از سده سوم پیش از میلاد به نام اران معروف بوده است. در نوشته‌های مورخان باستان، از جمله پولیبیوس^۴ و استرابون^۵ نیز این منطقه با نام «آلبانیا» آمده است. در منابع عهد اسلامی، این نام «اران» و «الران» نوشته شده است که به احتمال قوی با نام پارتی «اردان» مرتبط است. در گذشته، بیشتر مورخان و جغرافی‌نگاران، اران را خارج از محدوده ایالت آذربایجان دانسته‌اند؛ اما برخی اوقات این منطقه در زیر سلطه آذربایجان بود و برخی نیز آن را داخل محدوده آذربایجان دانسته‌اند. مسعودی^۶ در کتاب خود، از اران به‌عنوان یکی از شهرها و مناطق آذربایجان نام برده و این‌اثیر^۷ نیز شروان^۸ و اران را بخشی از آذربایجان دانسته است. در پیمان‌نامه‌های *گلستان* و *ترکمن‌چای* نیز به این بخش نام آذربایجان داده نشده و این نام مختص مرزهای ایران بوده است^۹ (برگرفته از فرمانی ۱۳۹۲).

۳. بررسی تحولات تاریخی دوران قاجار در آذربایجان و اران

در دوران فرمانروایی سلسله قاجار (۱۱۷۶-۱۳۰۴ش / ۱۷۹۶-۱۹۲۵م) شاهد تغییرات مهمی در ایران هستیم؛ به‌ویژه آنکه یک حکومت مرکزی پایدار دوباره به وجود آمد و قدرت‌های توانمند اروپایی نیز به ایران دست‌اندازی نمودند. شاید بتوان گفت که ساختارها و پیشرفت‌های داخلی دوران قاجار، برخی ریشه در دوره‌های پیشین داشتند و برخی جدید بودند (بانی مسعود ۱۳۸۸، ۹). از طرف دیگر، حکومت قاجار همیشه چشم طمع به قفقاز داشته است و جنگ‌های بی‌نتیجه‌ای با روس‌ها در این منطقه داشته که نتیجه آن دو معاهده گلستان (۱۱۹۲ش) و ترکمن‌چای (۱۲۰۶ش) بود که بخش‌هایی از ارمنستان، جمهوری آذربایجان، گرجستان و ترکیه به روسیه واگذار شده است (رفیعی و خراسانی ۱۳۹۲، ۵۷) و عملاً مناطقی از ایران با فرهنگ و معماری ایران جدا شده و به روسیه پیوسته است؛ همین مناطق در زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اعلام خودمختاری کردند و کشورهای جمهوری آذربایجان، ارمنستان و نخجوان را تشکیل دادند.

این دوران، زمان شروع اصلاحات به سبک غربی بود و تغییرات بنیادی در ساختار اداری و اجتماعی و نظامی در ایران به وجود آمد. عناصر معماری غربی وارد معماری ایران شد. این عناصر، ابتدا تأثیر خود را بر ساختمان‌های سلطنتی و اعیانی، سپس بناهای عمومی و بناهای مذهبی گذاشتند؛ ولی این روند بسیار آرام و قدم به قدم اتفاق افتاد که تأثیرات آن در دوره‌های بعد قابل مشاهده است (سجاده‌زاده و دیگران ۱۳۹۶، ۲۲۱).

شهر تبریز به‌عنوان دارالسلطنه و ولیعهدنشین و دومین مرکز حکومتی دارای اهمیت ویژه‌ای در این دوران به‌لحاظ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده است. در این دوران، شهر تبریز دارای ساختار سازمان یک شهر سنتی بوده و تا روی کار آمدن حکومت پهلوی همچنان توسعه و معماری سنتی خود را حفظ کرد (صدری کیا ۱۳۹۳، ۱۰۲). با توجه به اهمیت تبریز در این دوران و مطالعه تاریخ مسجدهای تبریز، می‌توان دریافت که در دوره قاجار مساجد مهمی در محلات و امتداد بازار ساخته شد که از الگوهای معماری دوره قاجار به شمار می‌روند (ملازاده و محمدی ۱۳۸۱، ۲۴). شهر باکو در این دوران، تاریخ پرفرازونشیبی را طی کرد و بعد از کشمکش‌ها و جنگ‌های فراوان، مطابق عهدنامه گلستان از ایران جدا شد و به روسیه الحاق شد؛ ولی همچنان محل کشمکش میان دولت‌های ایران و روسیه و گاهی هم عثمانی بود (بارتولد ۱۳۷۵). به نظر می‌رسد که این ناآرامی‌ها و نبود ثبات سیاسی در این شهر و همچنین مخالفت روس‌ها با دین، بر ساخت بناها و به‌ویژه مساجد تأثیرگذار بوده و تعداد بناهایی که در این دوران ساخته شد بسیار اندک است.



تصویر ۱: نقشه آذربایجان و اران در دوران قاجار و مسیر لشکرکشی‌ها (سازمان نقشه‌برداری کشور ۱۳۸۶)

۴. سیر تحول مساجد اران در سده نوزدهم

طبق نظر فتح‌الله یف (۱۳۷۵) در منطقه اران، در نیمه دوم سده نوزدهم که وضعیت اقتصادی بسیاری از شهرها و مناطق جمعیتی بهتر از گذشته بوده است، ساخت مساجد بزرگ آغاز شد. این مساجد از نظر حجم و نمای ظاهری در ساختار حجمی - فضایی شهر یا آبادی دارای جایگاه مهمی هستند و بدنه عمودی منارها و حجم گنبدها که باهم ترکیب جذاب و جالبی را به وجود می‌آورند، غالباً شاخص سیمای بیرونی مسجد هستند.

بعد از الحاق خانات آذربایجان به روسیه، تلاش برای ساخت بناهای مذهبی در استان‌های مسلمان‌نشین آغاز شد. برای رسیدن به این منظور، دو دفعه (یک بار در سال ۱۸۰۵م و بار دوم در سال ۱۸۲۸م) از طرف دولت مرکزی اقدام به تهیه نقشه الگو برای بناهای مذهبی در این منطقه شد که در هر دو بار، الگوهای آماده‌شده به دلیل عدم شناخت شرایط منطقه، ویژگی‌های طراحی معماری اسلامی و تصورات نادرست درباره ساختمان‌های مذهبی، توسط اداره امور مسلمانان قفقاز نامناسب تشخیص داده شد؛ بنابراین تلاش حکومتی برای ارائه الگو ناکام ماند. در سال‌های بعد و در اواسط قرن نوزدهم، معماران بومی با توجه به ویژگی‌های تاریخی، طبیعی و اقتصادی، معماری مذهبی جمهوری آذربایجان را به وجود آوردند؛ که این معماری تا حدود زیادی سنت گذشتگان را دنبال می‌کرد.

در این دوران، جمهوری آذربایجان به چندین منطقه معماری از جمله منطقه باکو - آیشوران، قوبا - کوسار، گنجه - قره‌باغ، شکی - زاکاتال، نخجوان و لنکران تقسیم گردید و سنت معماری هر منطقه بر بناهای مذهبی آن تأثیر گذاشت و در نتیجه این بناها با اینکه دارای تشابهات فراوانی هستند، در جزئیات تفاوت‌هایی باهم دارند. در منطقه باکو - آیشوران، حجم دقیق گنبدها و بدنه عمودی منارها، ویژگی شاخص مساجد گردید که برای این منطقه به‌عنوان یک الگو محسوب می‌شده است. به سبب التقاطی بودن معماری ساختمان‌های مذهبی منطقه باکو - آیشوران، فضای داخل تالار نمازخانه توسط گنبد سنگی و با طاق‌های بزرگ مسقف گردید؛ چنین ساختاری بر سازمان‌دهی فضای داخلی مساجد نیز تأثیر گذاشت. ارتفاع زیاد مساجد باعث افزایش اهمیت آن در بافت گردید. مسلماً تمام ساختمان‌های این منطقه، چه از نظر معماری و چه از نظر طراحی، دارای ارزش یکسانی نیستند؛ زیرا تکامل آن‌ها در شرایط دشوار و به‌صورت نابرابر شکل گرفته است. از زمان ساخت مسجد ساده محله‌ای در آیشوران تا مسجد جامع باشکوه تازه‌پیر در باکو، یک دوره کامل معماری است. در این دوره، تداوم سنت‌های معماری بومی و تأثیر معماری جدید اروپا قابل مشاهده است؛ در نتیجه در فرایند تأثیرگذاری متقابل این دو معماری، معماری بومی بدون اینکه مشخصه خود را از دست داده باشد، از نظر اصول کیفی متحول شده است. بناهای مذهبی منطقه باکو - آیشوران دارای ویژگی کاملاً بومی هستند که آن‌ها را از بناهای مذهبی شرقی و خاور نزدیک کاملاً متمایز کرده و علت افت برخی ویژگی‌های این بناها نسبت به بناهای دوره قبل شرایط اجتماعی و اقتصادی است (فتح‌الله یف ۱۳۷۵).

این محقق بناهای مذهبی منطقه باکو - آیشوران را از لحاظ کالبدی به دو گونه تقسیم کرده است: ۱. گونه گنبد مرکزی؛ ۲. گونه سه‌شبهستانی؛ وی ویژگی بارز بناهای مذهبی منطقه را حجم شاخص و منارهای با عظمت می‌داند. گونه گنبدخانه‌ای دارای یک گنبد با عظمت و منار و حجمی شاخص در بافت است و گونه سه‌شبهستانی با تأثیرپذیری از معماری بومی و تحت تأثیر ساختمان‌های مذهبی دوره فتودالیسم ترکیه است. این دو گونه علاوه بر اینکه روند پیشرفت و توسعه معماری بومی را تداوم بخشید، به گونه‌ای نیز اصول جدیدی را موجب گردید.

چنان‌که مشاهده می‌شود، این تحقیق معماری منطقه را التقاطی و تحت تأثیر معماری اروپا و آناتولی می‌داند و مشخصاً این معماری را متفاوت از معماری شرق معرفی می‌کند و مساجد اران را به‌هیچ‌وجه تأثیر گرفته (هرچند کوچک) از مساجد آذربایجان ندانسته است.

۵. نمونه‌های مطالعه‌شده مساجد تبریز و باکو و معرفی آن‌ها

ارزیابی و تحلیل نمونه مساجد تبریز و باکو به‌منظور شناخت بهتر مساجد و مقایسه تطبیقی آن‌ها انجام می‌گیرد؛ بنابراین برای حصول نتیجه مطلوب باید تعداد نمونه‌ها در حدی می‌بود که امکان گونه‌شناسی وجود داشته باشد. بنابراین برای

رسیدن به این هدف، بازه زمانی قاجار (۱۱۷۵ تا ۱۳۰۴ ش) انتخاب شده؛ زیرا بیشترین تعداد نمونه‌های موجود مربوط به این دوره است. با این دیدگاه تقریباً تمام مساجد محله‌ای و مساجد موجود در بازار تبریز از این دوره انتخاب شد. در مورد باکو تعداد نمونه‌ها بسیار کمتر از تبریز است و علت آن وضعیت سیاسی و حکومتی موجود در جمهوری آذربایجان است. اسامی نمونه‌های مساجد تبریز از کتاب مساجد تاریخی آذربایجان استخراج شده‌اند و برخی از نمونه‌ها هم که در بافت تاریخی شهر و یا بازار وجود داشتند و در این کتاب موجود نبودند، توسط محقق و با بررسی‌های میدانی به آن‌ها افزوده شده است. در مورد مساجد باکو با توجه به اینکه کتاب یا منبعی جامع در هیچ‌یک از کتابخانه‌های باکو در این مورد یافت نشد، محقق با کمک اساتید دانشگاه معماری باکو اقدام به جمع‌آوری و شناسایی آن‌ها کرد و تقریباً اکثر مساجد موجود در بافت تاریخی باکو مورد ارزیابی قرار گرفت؛ ولی تعدادی از مساجد تاریخی واجد ارزش نیز وجود داشتند که پلمپ شده بودند و به هیچ عنوان امکان دسترسی به آن‌ها حتی برای تهیه کروکی هم نبود.

جدول ۱: معرفی مساجد دوره قاجار در تبریز

نام مسجد	تاریخ	موقعیت	نام مسجد	تاریخ	موقعیت
۱ آیت‌الله خسروشاهی	قاجار	بازار	۱۳ صدقیه	قاجار	بازار
۲ پل سنگی	قاجار (۱۲۶۹ ش)	چایکنار	۱۴ ظهیریه (سید حمزه)	قاجار	خیابان ثقة‌الاسلام
۳ ثقة‌الاسلام	قاجار	خیابان دارایی	۱۵ کاظمیه	قاجار (۱۲۳۳ ش)	بازار
۴ حجت‌الاسلام	قاجار (۱۲۰۲ ش)	بازار	۱۶ کریم‌خان	قاجار	خیابان بهشتی
۵ خلجالی	قاجار	بازار	۱۷ کلکته‌چی	قاجار	خیابان جمهوری
۶ خونی	اواسط قاجار	کوچه ارک	۱۸ مجتهد (۶۳ ستون)	قاجار	بازار
۷ دال دال	قاجار	میار میار	۱۹ مفیداقا	قاجار (۱۲۷۲ ش)	فردوسی
۸ سفید	قاجار	خیابان بهار	۲۰ ملاباشی	قاجار (۱۲۴۲ ش)	خیابان ثقة‌الاسلام
۹ سید علی آقا	قاجار	بازار	۲۱ مولانا	قاجار (۱۲۸۳ ش)	بازار
۱۰ شهید (شاهزاده)	قاجار	بازار	۲۲ میل لی (بهار)	مرمت قاجار	خیابان بهار
۱۱ شهید صدوقی	قاجار	بیجان کوه	۲۳ سید حمزه	قاجار	خیابان ثقة‌الاسلام
۱۲ شهیدی	قاجار	بازار			

جدول ۲: معرفی مساجد دوره قاجار در باکو

نام مسجد	تاریخ	موقعیت	نام مسجد	تاریخ	موقعیت
۱ بیگ	۱۸۸۰ م	باکو	۴ قاسم‌بیگ	۱۸۹۹ م	باکو
۲ تازه‌بیر	۱۹۱۴ م	باکو	۵ جمعه	۱۸۹۹ م	باکو
۳ اتفاق	۱۹۱۳ م	باکو	۶ سلطانی	۱۹۱۰ م	باکو

۶. مروری بر مفهوم گونه‌شناسی معماری

اگرچه برای گونه می‌توان یک تعریف واحد یافت، در عمل این واژه در نگاه محققان تعاریف مختلفی پیدا کرده است. گونه، یک شما یا طرح‌واره است که در آن می‌توان ویژگی‌های مشترک یک گروه از بناها را دید؛ به عبارت دیگر، گونه به عنوان یک مفهوم به نوع، طبقه یا دسته‌ای از مردم و یا گروهی از اشیا اشاره دارد که ویژگی مشخص مشترکی دارند و این ویژگی آن‌ها را از دیگر مردم یا گروه‌های اشیا متمایز می‌نماید. مطابق تعریف جان لنگ «گونه‌شناسی دسته‌بندی نمونه‌ها بر اساس معیارهای مشترک هست؛ حال این معیارها ممکن است شکلی و یا مرتبط با عملکرد فضاهای معماری ابنیه باشد. در فرایند گونه‌شناسانه، با بررسی مجموعه خصوصیات مورفولوژی یا شکلی و یا فضایی بناها و یافتن وجوه افتراق و اشتراک آن‌ها، ابنیه دسته‌بندی خواهند شد» (لنگ ۱۹۸۷، ۷۰). از نظر راپاپورت، گونه‌شناسی عبارت است از: «تلاشی برای قرار دادن مجموعه‌ای از اشیا پیچیده در یک مجموعه منظم برای دستیابی به عمومیت بیشتر در جهت شناخت و برنامه‌ریزی» (Rapaport 1990, 48). مطابق جمع‌بندی نظرات متفاوت معاصر (معماریان و دهقانی تفتی

۱۳۹۷، ۱۶۲) در تعریف گونه‌شناسی، این مقوله از دوجنبه قابل بررسی است: اول جنبه مادی، فیزیکی و ریخت‌شناسی و دوم جنبه غیرمادی، متافیزیکی و محتوایی. در جنبه اول، طبقه‌بندی بیشتر براساس شکل و با تکیه بر مشابَهات کمی صورت می‌گیرد و در جنبه دوم، طبقه‌بندی براساس زیبایی‌شناسانه متافیزیکی و شناخت‌شناسانه و آرکی‌تایپ‌هاست. از طرف دیگر، گونه‌شناسی را می‌توان براساس فاکتورهای مختلفی همچون مقیاس، عملکرد و دوره انجام داد. با این توصیف، مبنای کار این تحقیق، گونه‌شناسی براساس جنبه مادی و فیزیکی و ریخت‌شناسانه در دوره قاجار و در مساجد تبریز و باکو خواهد بود.

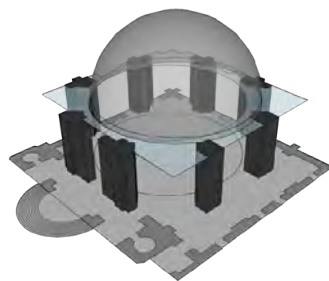
۷. تعریف اندام‌های مبنایی گونه‌شناسی مساجد تبریز و باکو

تحلیل‌ها و مطالعات رایج در حوزه مطالعات معماری تاریخی ایران، بیشتر معطوف به نواحی مرکزی بوده و غلبه این نگرش گاه منجر به تعمیم این مفاهیم به کل حوزه جغرافیایی فرهنگی ایران شده است. برای مثال، ممکن است اهمیت یک عنصر، اندام یا مؤلفه در آثار معماری نواحی مرکزی که منجر با ایجاد و شکل‌گیری گونه‌ای متمایز شده و دارای نقش حیاتی است، در معماری منطقه کوهستانی و سردسیر معنای خود را از دست بدهد. از این‌رو، بازتعریف برخی اصطلاحات و مفاهیم و همچنین تمرکز بر مفاهیمی که تنها در دستگاه مفهومی حوزه فرهنگی جغرافیایی مورد مطالعه اهمیت دارد، ضروری است.

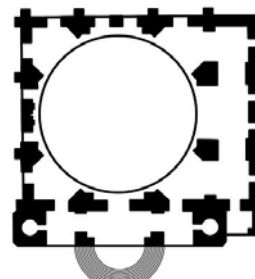
بنا به جدول ۳ و ۴، بیشترین اندامی که کالبد مساجد شهرهای مورد مطالعه را شکل می‌دهند، به ترتیب گنبدخانه، رواق اطراف گنبدخانه و شبستان هستند. بنابراین در این بخش از مقاله، نگاهی مختصر به معنای گنبدخانه، رواق اطراف گنبدخانه و شبستان می‌اندازیم. این اجزا کالبدی یا اندام‌ها مبنایی اصلی گونه‌های مساجد تبریز و باکو را تشکیل می‌دهند و ترکیب‌های مختلف این اجزا مساجد تبریز و باکو را در دوره قاجار شکل می‌دهند.

۷.۱. گنبدخانه

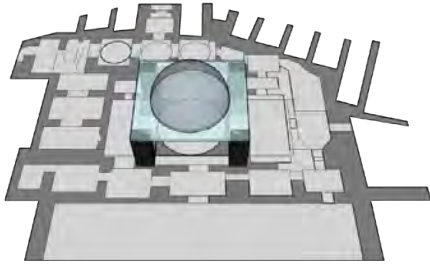
دهخدا معنای گنبدخانه را «خانه‌ای که دارای گنبد باشد» و «خانه‌ای که به شکل گنبد باشد» آورده است (دهخدا ۱۳۷۳، ۱۵۷). از طرف دیگر، دهخدا در تعریف چهارطاقی گفته است: «قبه و گنبدی که بر چهار پایه و ستون استوار باشد، سطحی که زیر آن قرار می‌گیرد مربع است و ستون‌ها بر گوشه‌های آن قرار دارد و هر دو ستون از بالا با طاق و هلالی به یکدیگر متصل شوند و قبه و گنبد بر این طاق‌ها و ستون‌ها نهاده می‌شود و در میان ستون‌ها در و دیواری وجود ندارد» (همان، ۹۵). بسیاری از محققان از جمله گدار و پیرنیا مساجد گنبدخانه‌ای را تغییر شکل یافته آتشکده‌های دوران ساسانی می‌دانند (گدار ۱۳۷۷؛ پیرنیا ۱۳۸۷). گدار آتشکده‌های عصر ساسانی را ترکیبی از یک حیات وسیع با محل آتشدان که همان چهارطاقی است معرفی می‌کند که بعد از اسلام هنگامی که ایرانیان تازه‌مسلمان تصمیم به ساختن مسجد گرفتند، همین طرح را انتخاب کردند و با کمی تغییر، آن را به صورتی که مورد احتیاج آیین جدید بود درآوردند. با توجه به اینکه محور اصلی آتشکده‌ها منطبق با جهت قبله بوده، یک جبهه آتشکده تبدیل به محراب شد و مساجد گنبدخانه‌ای شکل گرفت (گدار ۱۳۷۷، ۳۸۰). البته با گذشت زمان و با در نظر گرفتن تعداد نمازگزاران و همچنین اقلیم منطقه، فضاهای دیگری نیز به این مساجد اضافه شده است.



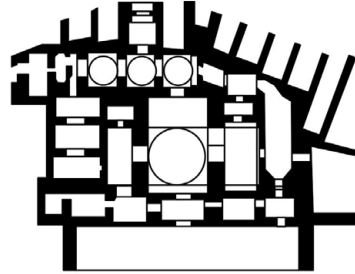
تصویر ۳: شمایی از گنبدخانه، مسجد تازه‌پیر باکو



تصویر ۲: نمونه‌ای از گنبدخانه، مسجد تازه‌پیر باکو



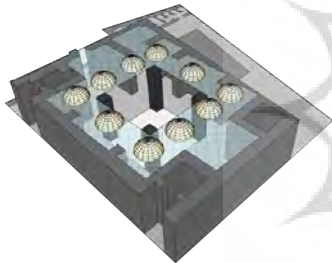
تصویر ۵: شمایی از گنبدخانه، مسجد سید حمزه



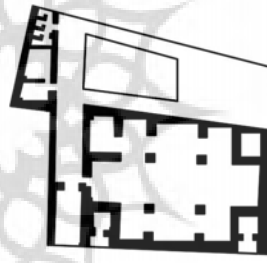
تصویر ۴: نمونه‌ای از گنبدخانه، مسجد سید حمزه تبریز تصویر

۲.۷. رواق اطراف گنبدخانه

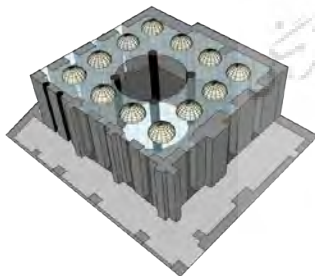
برخی از مساجد تبریز و باکو دارای یک گنبد مرکزی هستند که در اطراف آن رواق‌هایی وجود دارد که معمولاً ارتفاعشان از گنبد اصلی کمتر و در ارتباط با گنبدخانه مرکزی هستند که عملکردشان در راستای عملکرد گنبدخانه و جهت برپا کردن فریضه نماز است. رواق‌های اطراف گنبدخانه در برخی نمونه‌ها مانند مسجد کریم‌خان تبریز در جهات مختلف گسترش پیدا کردند و فضای بزرگ‌تری را به وجود آوردند، و در برخی نمونه‌ها مانند مسجد بیگ باکو و ملاباشی تبریز فقط در یک ردیف و پیرامون گنبد مرکزی شکل گرفته‌اند.



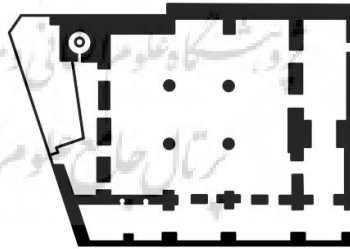
تصویر ۷: شمایی از رواق اطراف گنبدخانه، مسجد کلکته‌چی تبریز



تصویر ۶: رواق اطراف گنبدخانه، مسجد کلکته‌چی تبریز



تصویر ۹: شمایی از رواق اطراف گنبدخانه، مسجد قاسم‌بیگ باکو



تصویر ۸: رواق اطراف گنبدخانه، مسجد قاسم‌بیگ باکو تصویر

۳.۷. شبستان

دهخدا به نقل از منابع تاریخی، شبستان را «شب‌خانه» و «خوابگاه» تعریف می‌کند؛ همچنین شبستان را بخشی از مسجد ذکر می‌کند که «درویشان و غیردرویشان در آن نماز می‌خواندند و شب در آنجا می‌خوابیدند» و در معنای دوم، «آن قسمت از عمارت مسجد که از هیچ طرف باز نیست و دخول و خروج به آن از درهاست؛ چون در شب‌های سرد نماز جماعت در آنجا خوانده می‌شود» (دهخدا ۱۳۷۳، ۲۲۰). از این تعریف می‌توان چنین برداشت کرد که اگر شبستان جایی است که «در آن می‌خوانند» و «از هیچ طرف باز نیست»، پس فضایی است که اساساً قرار است که فضا را خنک‌تر از حد معمول نگه ندارد (برخلاف گنبدخانه که به واسطه ارتفاع زیاد و گشودگی‌ها فضا را خنک‌تر می‌کند) و حتی در حفظ

گرما نیز نقش ایفا کند. از این رو وجود مساجد شبستانی در منطقه سردسیر آذربایجان دور از انتظار نیست. مساجد شبستانی این منطقه ارتباط مستقیمی با فضای بیرون ندارند و معمولاً دارای بازشوهای کوچکی هستند. پیرنیا (۱۳۸۷) و معماریان و دهقانی تفتی (۱۳۹۷) مساجد گونه شبستانی را یکی از گونه‌های اصلی در معماری مساجد ایران می‌دانند و برخلاف نظر آندره گدار (۱۳۷۷) که این مساجد را کاملاً الگوبرداری شده از طرح مساجد اولیه اعراب می‌داند و برای این گونه ریشه عربی قائل است، ریشه این مساجد را ایرانی می‌دانند و مسجد جامع فهرج و تاریخانه دامغان را جزو اولین نمونه‌های مساجد شبستانی معرفی می‌کنند.

۸. گونه‌شناسی مساجد منتخب تبریز و باکو

محققان دیدگاه‌های متفاوتی در مورد گونه‌شناسی مساجد دارند. هواگ و مارتن (۱۳۸۴، ۲۰۳) مساجد را به سه گونه تقسیم کرده‌اند: ۱. مسجدهایی به سقف صاف و پلان مستطیل شکل؛ ۲. مسجدهای گنبددار با نقشه چهارایوانی؛ ۳. مسجدهای پوشیده از چند گنبد (سبک عثمانی). گدار (۱۳۷۷، ۳۷۹-۴۱۲) چهار گونه برای مساجد اسلامی در نظر گرفته است که عبارت‌اند از: ۱. مساجد چهارطاقی؛ ۲. مساجد ایوانی؛ ۳. مسجد از نوع ایوان کرخه؛ ۴. مسجد بزرگ ایرانی با حیاط مرکزی و چهار ایوان. پیرنیا (۱۳۸۷، ۲۶۲-۲۷۴) هم پنج گونه برای مساجد ایران در نظر گرفته است: ۱. شبستانی ستون‌دار؛ ۲. گنبدخانه‌ای؛ ۳. ایوانی؛ ۴. چهارایوانی؛ ۵. تنبی شکل. هیلن براند (۱۳۸۳، ۱۴۰-۱۵۳) هم مساجد جهان اسلام را به پنج گونه تقسیم‌بندی کرده است: ۱. مساجد دوران نخستین (طرح عربی)؛ ۲. مساجد سلجوقیان (طرح چهارایوانی)؛ ۳. مساجد ایلخانی (طرح چهارایوانی اصلاح نسبت‌ها و تأکید بر ایوان مساجد)؛ ۴. دوران تیموری (الگوی چهارایوانی و توجه خاص به درگاه و ایوان قبله مساجد)؛ ۵. دوران صفویان (بازسازی و توسعه بخشی مساجد موجود در زمان تیموریان).

چنان‌که مشاهده می‌شود، گونه‌بندی هواگ، گدار و پیرنیا براساس کالبد و شکل فضایی مساجد است و تقسیم‌بندی براند بیشتر با تکیه بر دوره‌های حکومتی و البته تا حدودی هم براساس کالبد. در این تحقیق، گونه‌شناسی مساجد آذربایجان و اران بیشتر با نگاه به کالبد و پلان و حجم مساجد صورت گرفته است. بنابراین با توجه به نقشه‌های مساجد می‌توان سه گونه برای مساجد آذربایجان و اران در نظر گرفت که عبارت‌اند از:

- گونه گنبدخانه‌ای

- گونه گنبدخانه‌ای با رواق اطراف

- گونه شبستانی

از میان این سه گونه، دو گونه گنبدخانه‌ای و شبستانی در تقسیم‌بندی‌های محققان وجود داشت که در تبریز و باکو شناسایی شد و یک گونه که به‌عنوان گونه گنبدخانه‌ای با رواق اطراف نام‌گذاری شده است، در این منطقه شناسایی شد و مورد تحلیل قرار گرفت.

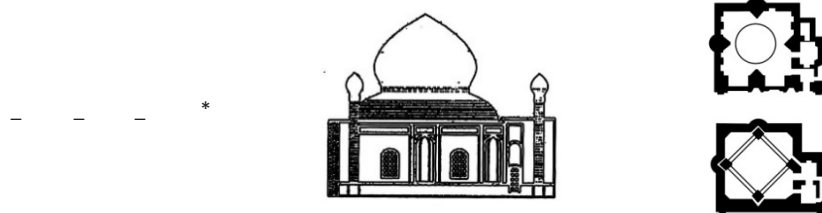
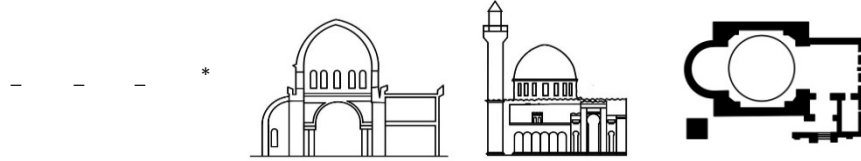
۸. ۱. گونه گنبدخانه‌ای

گونه گنبدخانه‌ای آن گروه از مساجد هستند که مهم‌ترین فضای آن‌ها یک گنبدخانه است و در جبهه ورودی، عموماً یک ایوان وجود دارد. (سلطانزاده ۱۳۹۸، ۵۵). اصلی‌ترین قسمت این گونه یک گنبدخانه مرکزی است و سایر قسمت‌ها به آن الحاق شده‌اند. نمونه‌های موجود در این گونه بیشترین اختلافات را در برخی جزئیات باهم دارند که این اختلافات ناشی از برخی الحاقات و هماهنگی با مساجد با زمان طراحی و ساخت آن‌هاست. برای مثال مسجد سید حمزه با توجه به تلفیق شدن با بقعه سید حمزه و عملکرد محله‌ای آن دارای فضاهایی مانند نگهداری جسد و... می‌باشد و یا مسجد اتفاق در باکو که دارای محراب بیرون‌زده مشابه کلیساهای مسیحی است. اختلافات جزئی از این دست در اکثر نمونه‌های این گونه دیده می‌شود، ولی در کلیت همه آن‌ها مشابه‌اند.

مساجد این گونه عبارت‌اند از: سید حمزه تبریز، مفیدآقا تبریز، مولانا تبریز، تازه‌پیر باکو، سلطانعلی باکو، آشتور بیگ (اتفاق) باکو، میل لی (بهار) تبریز که می‌توان مطابق جدول زیر دسته‌بندی کرد.

جدول ۳: تحلیل گونه گنبدخانه‌ای

نام مسجد	پلان	نما و برش	گنبدخانه	شبستان	ایوان	اطراف رواق گنبد
تبریز - مسجد کهنه تبریز			*	-	-	*
کاشان - گنبد کاشی			*	-	-	*
تبریز - مسجد اقصی تبریز			*	-	-	*
تبریز - مولانا تبریز			*	-	-	-
تبریز - مسجد کهنه تبریز			*	-	-	-
کاشان - گنبد کاشی			*	-	-	-
کاشان - گنبد کاشی			*	-	-	-



۸.۱.۱. ویژگی‌های گونه گنبدخانه‌ای

بنیادی‌ترین اندام این مساجد، وجود گنبدخانه به‌عنوان فضای اصلی مسجد است، که در همه نمونه‌های این گونه قابل شناسایی است؛ به عبارتی، عنصر اولیه‌ای که مساجد این گونه را تعریف می‌کند، گنبدخانه است. این گنبدخانه کاملاً منطبق با جهت قبله بوده و نورگیری مسجد از فضای زیر گنبد است. مساجد این گونه مانند مسجد تازه‌پیر و اتفاق در باکو به‌صورت منفرد و دارای حجم و شکل هندسی مشخص و در تبریز به‌صورت پیوسته با بافت اطراف و بدون شکل هندسی مشخص هستند، مانند مسجد مفیدآقا و مسجد سید حمزه. برخی از مساجد این گونه مانند مسجد گیگیلی و حاج صفرعلی دارای یک فضای الحاقی به‌صورت تنبی به‌عنوان شبستان زمستانی یا زنانه هستند. وجود یا نبود منار را نمی‌توان در مساجد این گونه به‌عنوان یک اصل مطرح کرد؛ زیرا برخی مساجد مانند مسجد اتفاق باکو و سید حمزه تبریز دارای یک منار و برخی مانند مسجد تازه‌پیر دارای دو منار و برخی مانند مسجد مولانای تبریز فاقد منار هستند. سازه اصلی این مساجد معمولاً چرخ‌ها و دیوارهای باربر هستند. این مساجد اکثر دارای یک ورودی و در برخی موارد مانند مسجد تازه‌پیر و مولانا دارای دو ورودی هستند.

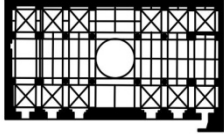



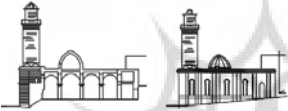
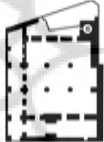
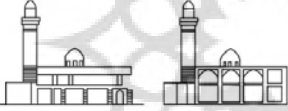


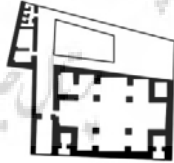
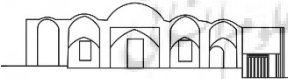
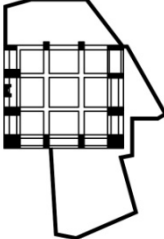

نکته قابل توجه در این گروه از نمونه‌های مورد مطالعه، این است که مساحت این گونه نسبت به گونه شبستانی معمولاً کمتر بوده و تعداد نمازگزار محدودی را در خود جای می‌دهد؛ ولی از لحاظ اهمیت در شهر در سطح بالاتری نسبت به مساجد دیگر قرار دارند. به‌عنوان مثال مسجد تازه‌پیر باکو و مسجد مولانا در تبریز، مساجد بسیار شاخص شهری به شمار می‌روند.

۸.۲. گونه گنبدخانه‌ای با رواق‌های اطراف

این گونه تقریباً تغییر یافته مساجد گنبدخانه‌ای است. تمامی این مساجد دارای یک گنبدخانه به‌عنوان فضای مرکزی و یک ردیف رواق در اطراف آن به‌عنوان شبستان هستند. فضای گنبدخانه دارای ارتفاع بلندتر از فضاهای کناری است. مقیاس این گونه محله‌ای است و به همین علت معمولاً سایت این مساجد در درون بافت شهری و شکلی غیرهندسی دارد که با این شیوه طراحی فضای داخلی مسجد به‌صورت کاملاً هندسی است. محراب این مساجد برای تأکید بیشتر در امتداد گنبدخانه مرکزی قرار گرفته‌اند.

مساجد این گونه عبارت‌اند از: کریم‌خان تبریز، ملاباشی تبریز، مسجد بیگ باکو، قاسم‌بیگ باکو، جمعه مسجد باکو، کلکنه‌چی تبریز و دال ذال تبریز که می‌توان مطابق جدول زیر تحلیل کرد.

جدول ۴: تحلیل گونه گنبدخانه‌های با رواق اطراف

نام مسجد	پلان	نما و برش	گنبدخانه	شبستان	رواق اطراف گنبد	گسترش رواق‌ها
کریمخان - تبریز		—	*	*	*	*
ملازمتی - تبریز			*	-	*	-
اکو - تیک			*	*	*	*
اکو - قاسمی			*	-	*	-
اکو - مسجد جامع			*	-	*	-
کلکلی - تبریز			*	-	*	*
دال کال - تبریز			*	-	*	*

۸.۲.۱. ویژگی‌های گونه گنبدخانه‌ای با رواق اطراف

عنصر اصلی مساجد این گونه، یک گنبد در مرکز و یک ردیف رواق در اطراف آن است که مقیاس گنبد در سطح و ارتفاع نسبت به گونه گنبدخانه‌ای کوچک‌تر است. در نگاه اول این مساجد بسیار مشابه با مساجد شبستانی با مقیاس کوچک‌ترند؛ ولی در نگاه دقیق‌تر متوجه می‌شویم که در این مساجد همه پوشش گنبدها دارای یک ارزش نیستند و گنبد مرکزی یا در ارتفاع متمایز است مانند مسجد کلکته‌چی تبریز و مسجد جمعه باکو، یا در تزیینات و نوع پوشش شاخص است، مانند مسجد دال ذال و کریم‌خان تبریز. در این الگو، از فضای گوشه‌ها به‌عنوان فضای خدماتی استفاده شده است و حیاط در برخی از نمونه‌ها به‌عنوان یک عنصر کاملاً الحاقی و فاقد شکل هندسی خاص و با توجه به شکل سایت وجود دارد که با توجه به اقلیم سرد و خشک منطقه قابل توجیه است. تعداد ورودی‌های این گونه نسبت به قرارگیری مسجد در بافت شکل گرفته است و دارای الگوی مشخص و ثابتی نیست؛ مانند مسجد مالباشی تبریز و جمعه باکو که دارای چند ورودی و مسجد دال ذال تبریز و بیگ باکو که دارای یک ورودی هستند.

۸.۳. گونه شبستانی

مساجد شبستانی غالباً دارای نقشه مستطیل‌شکل هستند که سقف آن‌ها بر روی ردیف ستون‌ها استقرار یافته است (سلطانزاده ۱۳۹۸، ۵۵). این گونه در تبریز به تعداد زیادی موجود است؛ ولی در باکو حتی یک نمونه هم از این گونه موجود نیست. بنا به نظر هیلن برن (۱۳۸۳) و سلطانزاده (۱۳۹۸) یکی از علل به وجود آمدن گونه شبستانی تعداد زیاد نمازگزاران است. شاید به‌علت تغییر حکومت و نگرش دولت حاکمه جمهوری آذربایجان به اسلام و مسائل مربوط به آن، که نوعی اسلام‌ستیزی در این منطقه به وجود آمد، اجازه توسعه و بسط اسلام و افزایش تعداد مسلمانان داده نشد و نیازی به ساخت مساجد بزرگ‌تر نبود. اگر گسترش اسلام در اران هم مانند آذربایجان می‌بود، به‌احتمال زیاد شاهد این گونه مساجد در باکو نیز می‌بودیم.

مساجد این گونه در تبریز عبارت‌اند از: مجتهد (۶۳ ستون)، آیت‌الله خسروشاهی، پل سنگی، ثقلاً اسلام، حجت‌الاسلام، خلخال، مسجد سفید، سید علی آقا، شهدا (شاهزاده)، شهید صدوقی، شهیدی، صادقیه، کاظمیه و خونی. به‌علت فقدان این گونه در باکو، جداول تحلیلی برای این گونه ترسیم نشده و مقایسه‌ای انجام نگرفته است.

نتیجه

در باب معماری مذهبی آذربایجان، تحقیقات بسیاری انجام شده است؛ اما تاکنون مقایسه‌ای ما بین معماری تبریز و باکو انجام نشده است (ارزش منطقه اران به‌علت اینکه روزگاری جزو ایران محسوب بوده، دوچندان است). پرسش‌های بسیاری در مورد معماری آذربایجان و اران و تأثیرات متقابل آن‌ها وجود داشت که در این پژوهش سعی شد با گونه‌شناسی بناهای مذهبی به شناخت بیشتری از معماری منطقه دست یافت. برای این منظور فضاهای مذهبی هر دو منطقه به‌صورت میدانی و کتابخانه‌ای مورد شناسایی و بررسی قرار گرفت تا بتوان به پرسش‌های مطرح‌شده پاسخی درست و علمی داد. اکثر مساجد تبریز و باکو (و نه همه) در دوران قاجار مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و در پایان، چنین نتیجه‌گیری شد که همه آن‌ها در سه گونه قابل دسته‌بندی هستند که این سه گونه عبارت‌اند از: گونه گنبدخانه‌ای، گونه گنبدخانه‌ای با رواق اطراف، گونه شبستانی.

در این نوشتار، نشان داده شد که مساجد تبریز و باکو، دارای الگوهای مشخص و قابل شناسایی هستند که آن‌ها را تا حدودی (و نه کاملاً) از مساجد سایر حوزه‌های فرهنگی ایران جدا و متمایز می‌کند. گنبدخانه یکی از الگوهای بنیادین این مساجد است که در مقیاس متفاوت در هر سه گونه حضور دارد و بقیه اندام‌های مسجد، حول این اندام اصلی گسترش یافته است.

در گونه گنبدخانه‌ای، عنصر اصلی مسجد همان گنبدخانه است که دارای مقیاس بزرگ بوده و تمام عناصر دیگر مانند محراب در آن جای دارند. این مساجد دارای مقیاس شهری و به‌عنوان یک بنای شاخص در شهر قابل شناسایی هستند. در گونه گنبدخانه‌ای با رواق اطراف نیز گنبد مرکزی با مقیاس کوچک‌تر، در مرکز و رواق اطراف حول آن شکل

گرفتند که از نظر مساحت کمی بزرگ‌تر از گونه گنبدخانه‌ای هستند و تعداد نمازگزار بیشتری را در خود جای می‌دهند. گونه شبستانی که فقط در تبریز وجود دارد، دارای یک شبستان ستون‌دار هستند که معمولاً دارای مساحت بزرگ هستند. قدم بعدی در ادامه این تحقیق می‌تواند پرداختن به جزئیات بیشتر اعم از سازه و تزیینات و... این مساجد باشد و به شناسایی بیشتر تفاوت‌ها و تشابهات پرداخته شود و همچنین با توجه به همسایگی منطقه آنتولی با آذربایجان و اران و تأثیر غیرقابل کتمان معماری آن می‌توان تحقیق مشابهی نیز در آن منطقه انجام داد تا در نهایت به فهم و درک درستی از معماری این مناطق دست یابیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. مطابق *دانشنامه اسلام* و نظر بسیاری از مورخان و جغرافی‌دانان اران، به ناحیه‌ای در میان رود کر (قفقاز) و رود ارس اطلاق می‌شده است.
۲. دانشگاه معماری و ساخت‌وساز آذربایجان یک دانشگاه دولتی است که در سال ۱۹۷۵ میلادی در باکو تأسیس شده است. این دانشگاه متشکل از هفت دانشکده تخصصی است که دانشکده معماری یکی از دانشکده‌های آن است و برترین اساتید معماری کشور جمهوری آذربایجان در این دانشکده مشغول تدریس‌اند.
۳. آذربایجان از واژه آتروپات (نام ساتراپ فرماندار ایرانی ماد کوچک در زمان حمله اسکندر به ایران) گرفته شده که آتروپات ریشه در دین زرتشتی داشته و به معنی «آذرند» یا «نگهبان آتش» یا «نگهبانی شده توسط آتش» است. آذربایجان در فارسی میانه، آتورپاتگان و در شکل قدیم فارسی نو، آذربادگان و آذربایگان تلفظ می‌شده است.
۴. پولیبیوس (۲۰۵-۱۲۵ ق.م) تاریخ‌نویس اهل یونان بود و اثر مشهور او *تواریخ* نام دارد که در مورد تاریخ روم و کشورهای اطراف است.
۵. استرابو یا استرابون مورخ و جغرافی‌دان یونانی بود که کتاب جغرافیای او منبع گران‌بها و سرشار از اطلاعات جغرافیایی دنیای قدیم است.
۶. علی بن حسین مسعودی (متولد ۲۸۰ ق) تاریخ‌نویس، نویسنده جغرافی‌دان، دانشمند و جهانگرد عرب بود و اثر بارزش وی کتاب *مروج الذهب* است که در مورد تاریخ بشر و مسائل قوم‌شناسی است.
۷. عزالدین ابن اثیر (۱۱۸۶-۱۲۳۳ م) تاریخ‌نگار کرد که معروف‌ترین اثرش کتاب *الکامل فی التاریخ* است که در باب سرگذشت آدمی و رویدادهای تاریخ سده هفتم هجری است.
۸. شروان نام ناحیه‌ای در جنوب شرقی قفقاز که در عهد باستان جزو ایران بود و بین کناره غربی دریای خزر و رود کورا قرار داشت.
۹. نخستین استفاده از نام «آذربایجان» در آن منطقه، به وقایع پس از سقوط امپراتوری روسیه و تشکیل دولتی به نام «جمهوری دموکراتیک آذربایجان» در سال ۱۹۱۸ در شهر تفلیس مربوط می‌شود. تا آن زمان نام «آذربایجان» صرفاً برای مناطق شمال غربی ایران و جنوب رود ارس اطلاق می‌شد و برای مناطق بالای رود ارس استفاده نمی‌شد. برخی از پژوهشگران و تاریخ‌نویسان تغییر نام منطقه اران به آذربایجان را تلاشی هدفمند از سوی اتحاد جماهیر شوروی دانسته‌اند.
۱۰. متأسفانه در کتابخانه‌های باکو، کتاب‌های تاریخی بسیار اندکی وجود دارد و مطابق گفته محققان محلی، کتب بارزش تاریخی زیادی در مورد باکو وجود دارد، ولی همگی در کتابخانه‌های مسکو نگهداری می‌شوند و امکان دسترسی به آن‌ها میسر نبود.

منابع

- ابن حوقل. ۱۳۶۶. *سفرنامه ابن حوقل*. ترجمه و توضیح جعفر شعار. تهران: امیرکبیر.
- ابن‌رسته، احمد بن عمر. ۱۳۶۵. *العلاق النقیسه*. ترجمه و تعلیق حسین قره‌چانلو. تهران: امیرکبیر.
- ابن‌فقیه، ابوبکر احمد بن محمد ابن اسحاق همدانی. ۱۳۵۹. *مختصر البلدان*. ترجمه ح. مسعود. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اصطخری، ابو اسحاق ابراهیم. ۱۳۴۷. *المسالك والممالک*. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بارتولد، واسلی ولادیمیروویچ. ۱۳۷۵. *جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان*. ترجمه لیلا ربن رشه. تهران: [بی‌نا].

- بانی مسعود، امیر. ۱۳۸۸. *معماری معاصر ایران در تکاپوی بین سنت و مدرنیته*. تهران: هنر معماری قرن.
- بلر، شیلا اس، و جانانان ام. بلوم. ۱۳۸۲. *هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی دوره ایلخانان و تیموریان*. ترجمه سید محمد موسی هاشمی گلپایگانی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۸۷. *معماری ایرانی*. تألیف و تدوین غلامحسین معماریان. تهران: سروش دانش.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۳. *لمت نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- رفیعی، امیر تیمور، و نعیمه خراسانی. ۱۳۹۲. روابط سیاسی ایران و روسیه در عصر ناصرالدین شاه. فصلنامه تاریخ، ش. ۳۱: ۶۹-۵۷.
- سازمان نقشه برداری کشور. ۱۳۸۶. *اطلس عمومی ایران*. تهران: سازمان نقشه برداری کشور.
- سجاذزاده، حسین، رحمت دریایی، محمدحسین ابراهیمی، و سارا مصری. ۱۳۹۶. تعامل الگوی فضایی مسجد-مدرسه های دوره قاجار با معماری وارداتی غربی (نمونه موردی: مسجد سپهسالار تهران). *پژوهش های باستان شناسی ایران* ۷ (۱۴): ۲۲۱-۲۴۰.
- سلطانزاده، حسین. ۱۳۷۶. *تبریز خشتی استوار در معماری ایران*. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- _____ ۱۳۹۸. *معماری ایران در دوره اسلامی (مفاهیم، الگوها و آثار)*. تهران: دانشگاه آزاد.
- صدری کیا، سمیه. ۱۳۹۳. بافت شهری و محله ای تبریز در دوران قاجار. فصلنامه پژوهش هنر ۲ (۷): ۱۱۸-۱۰۶.
- عمرانی، بهروز، و حسین اسمعیلی سنگری. ۱۳۸۶. *بافت تاریخی شهر تبریز*. تهران: سمیرا.
- فتح الله یف، ش.س. ۱۳۷۵. *گونه شناسی معماری مساجد در جمهوری آذربایجان*. ترجمه لیلا ربن رشه، حسین سلطانزاده و بهرام قدیری. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- فرمانی، شهناز. ۱۳۹۲. *تحلیل تأثیر و تداوم فرهنگ معماری آذربایجان ایران بر جمهوری آذربایجان*. مطالعه موردی: بناهای تبریز و باکو. پایان نامه دکتری معماری. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
- گذار، آندره. ۱۳۷۷. *هنر ایران*. ترجمه بهروز حبیبی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- گلملیک، لیزا، و رونالد ویلبر. ۱۳۷۴. *معماری تیموری در ایران و توران*. ترجمه کرامت الله افسر و محمدیوسف کیانی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- گلجانی مقدم، نسرین. ۱۳۸۴. *تاریخ شناسی معماری ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- لنگ، جان. ۱۹۸۷. *آفرینش نظریه های معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی های محیط)*. ترجمه علیرضا عینی فر. ۱۳۸۳. تهران: دانشگاه تهران.
- معماریان، غلامحسین، و محسن دهقانی تفتی. ۱۳۹۷. در جستجوی معنای نو برای مفهوم گونه و گونه شناسی در معماری (مطالعه موردی: خانه گونه تالاردار در شهر تفت). *مسکن و محیط روستا* ۳۷ (۱۶۲): ۳۸۲-۳۸۱.
- ملازاده، کاظم، و مریم محمدی. ۱۳۸۱. *مدارس و بناهای مذهبی*. تهران: سوره مهر.
- هواگ، جان، و هانری مارتن. ۱۳۸۴. *سبک شناسی هنر معماری در سرزمین های اسلامی*. ترجمه پرویز ورجاوند. تهران: علمی و فرهنگی.
- هیلن برند، رابرت. ۱۳۸۳. *معماری اسلامی، فرم، عملکرد و معنا*. ترجمه ایرج اعتصام. تهران: پردازش و برنامه ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).
- _____ ۱۳۹۱. *معماری اسلامی: شکل کارکرد و معنی*. ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی. تهران: روزنه.
- Rapaport, Amos. 1990. *Vernacular Architecture, in Turan M. (eds); Current Challenges in the Enviromental Social Science*. Avebury, Aldershot, England.
- Azerbaijan, Region, Iran. *Encyclopedia Britannica*. Retrieved. 2020
- *The Encyclopedia of Islam*. Volume XI. Brill Publishers Leiden. 2002 Article Zanjan page. 446

■ Typology of Mosques Built in Tabriz and Baku during the Qajar Period

Shahnaz Farmani

Assistant Professor, Faculty of Art and Architecture, South Tehran Branch, Islamic Azad University

Gholam-Hossein Me'marian

Professor, School of Architecture and Environmental Design, Iran University Of Science and Technology

Azerbaijan, with a long history of culture and art, is one of the regions in Iran that merits architectural study. For this purpose, we should not limit our study to the present-day borders of Azerbaijan. Instead, it is important to note that in the not-so-distant past, there was an exchange of artistic and architectural ideas, motivations, and craftsmen with its neighboring lands including Aran (Republic of Azerbaijan). In the realm of Islamic architecture, the physicality of mosques holds a distinctive position because of their correspondence to consistent behavioral patterns. Therefore, a typological study can be carried out not inside political boundaries but within the extent of cultural boundaries. The ultimate purpose of this research is to reach a typology of mosques of Tabriz and Baku built during the Qajar era according to their physical characteristics. For this purpose, the descriptive-analytical research method was used and data collection was done by library research and field studies. In this article, a total of 28 historical mosques and their important features in both cities are introduced, and next, they are classified according to these features and the composition of their physical elements. The characteristics of each typology are discussed next. The mosques in these areas can be classified into three types: dome-chamber mosques, dome-chamber and colonnaded mosques, and hypostyle mosques. The hypostyle type can only be found in Azerbaijan, while the other two types can be found in both regions.

Keywords: Azerbaijan, Aran, mosque, typology, Qajar period